

## عنوان مقاله:

تحلیل کیفی بعد اجتماعی مدیریت متمرکز روستایی، از مشروطه تا اصلاحات ارضی: مطالعه روستاهای حاشیه زاینده رود در بخش گرکن جنوبی شهرستان مبارکه

## محل انتشار:

فصلنامه مطالعات اجتماعی ایران، دوره 12، شماره 1 (سال: 1397)

تعداد صفحات اصل مقاله: 28

## نویسندگان:

شاپور سلمانوندی - دانش آموزخته دکتری جامعه شناسی توسعه روستایی دانشگاه تهران

حسین ایمانی جاجرمی - دانشیار جامعه شناسی گروه مطالعات توسعه دانشگاه تهران

مهدی طالب - استاد جامعه شناسی گروه مطالعات توسعه دانشگاه تهران

## خلاصه مقاله:

بیش از نیم قرن متمرکز شدن و یک پارچگی اداره امور روستاها، از دوران مشروطه تا اصلاحات ارضی، می گذرد. هدف مطالعه حاضر، شناخت نحوه سامان بخشی امور روستا در دوره گسترش نظام مالکیت زمین، از مشروطیت تا انجام برنامه اصلاحات ارضی، است. روش این پژوهش کیفی است و با استفاده از تحلیل موضوعی داده های حاصل از اسناد و مصاحبه ها تجزیه و تحلیل شده است. جامعه آماری این تحقیق روستاهای بخش گرکن جنوبی شهرستان مبارکه است. به منظور گردآوری اطلاعات، با پنجاه نفر از مطلعان کلیدی در باب مدیریت روستا مصاحبه شد. یافته ها نشان می دهد که مالکیت زمین با لغو تیول داری گسترش و رسمیت یافت که پیامد آن شکل گیری تمرکز مدیریت بر امور روستا بوده است. از یافته های مهم این تحقیق شناخت مدیریت متمرکز روستا با عاملیت مالک در اداره امور روستا در حوزه های مدیریت آب، سامان بخشی نظم، انضباط و امنیت در روستا، مدیریت ارتباطات، مدیریت عوامل تولیدی و نیز حمایت مالک از روستاییان، به ویژه در ساخت راه ها و مدرسه ها و مکان های عمومی است. از دیگر یافته های این تحقیق این است که مالک کدخدا را در فرآیندی پیچیده انتخاب می کرد، تایید دولت و پذیرش روستاییان از دیگر شروط کدخدایی بود. نتیجه این تحقیق نشان می دهد که مصالحه گری، کلیت نگری، حمایت گری، تجربه گرایی، دخالت دولت در کمترین میزان، و فقدان بوروکراسی مهم ترین تعیین کننده های اجتماعی دوره تمرکز مدیریت روستا در حداثه زمانی مشروطه تا انجام برنامه اصلاحات ارضی بوده اند.

## کلمات کلیدی:

مشروطه، اصلاحات ارضی، تمرکز مدیریت، مدیریت روستایی، مالک، کدخدا

## لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1636881>

